



اندیشه

اشاره: امتحان و آرزویابی بخش غیرقابل انفکاک از عرصه‌ی آموزش و تعلیم و تربیت است. در این مقاله سعی بر آن است که با الهام از ویژگی‌های امتحان الهی، پیامدی آموزشی درخصوص امتحانات و آرزویابی الهی را بیچ میان خودمان، استنتاج شود. از این رو علاوه بر جنبه‌ی دانش افزایی مقاله‌ی حاضر، جنبه‌های آموزشی آن نیز قابل توجه است.

# امتحان و ابتلای خدا برای چه و چگونه است

(قسمت دوم)

سعید راصد

کارشناس گروه دینی

دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

مقدمه

در میان تمام موجودات، انسان با دیگر موجودات تفاوت دارد و این تفاوت به لحاظ داشتن قوه‌ی اراده و اختیار، عقل، و قدرت تصمیم‌گیری اوست که می‌تواند با این ویژگی‌های خاص، به سمت خوبی‌ها یا بدی‌ها حرکت کند. از این رو برای تربیت انسان (هدایت به سوی کمال)، ما به دو شناخت ویژه نیازمندیم: یکی آگاهی از ویژگی‌های او، و دیگری علم به مفهوم تربیت و مراحل آن.

## ۵. گروهی بودن امتحان

گاهی اوقات امتحان الهی گروهی است و همه‌ی افراد باید در جهت کسب موفقیت تلاش کنند و در این راستا در قبال یکدیگر مسئول‌اند. خداوند همه‌ی انسان‌ها را نسبت به هم مسئول می‌داند و می‌خواهد که همه برای ایجاد جوی سالم کوشش کنند. اقویا دست ضعیف‌تر را بگیرند و بی‌تفاوت نباشند و با یکدیگر مشارکت فعالانه داشته باشند؛ چنان‌که می‌فرماید: «واتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه و اعلموا ان الله شدید العقاب»: پرهیزید از فتنه‌ای که فقط به ظالمان شما نمی‌رسد، بلکه عموم را فرا می‌گیرد. و در روایات داریم که: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته».

در ارزش‌یابی گروهی در کلاس، فراگیران می‌آموزند که باید به یکدیگر کمک کنند، در تعالی و رشد و شکوفایی یکدیگر

بکوشند، و توفیق و موفقیت خود را در توفیق دیگران ببینند. در واقع امتحانات می‌تواند وسیله‌ای برای ایجاد اتحاد و دوستی و محبت باشد، صفا و صمیمیت را در بچه‌ها تقویت کند و حسد را به غبطه تبدیل نماید. به عبارت دیگر، تلاش افراد برای ارتقای خود و دیگران باشد. در ارزش‌یابی گروهی، از آن‌جا که نتیجه‌ی کار برای همه‌ی افراد اهمیت دارد، در صورتی که دانش‌آموزی کم‌کاری کند و یا احساس مسئولیت نکند، همگی متضرر خواهند شد. لذا گروه می‌کوشد، او را با خود همراه کند و به پیش ببرد. هم‌چنین، رضایت خود را در موفقیت دیگران ببینند و از ناراحتی دیگران، ناراحت شوند. چنان‌که در احادیث بسیاری نقل شده است، هرآن‌چه را که برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز بپسند و هرآن‌چه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران نیز مپسند.

باید توجه داشت که «آزمایش» خدا برای نمایان ساختن استعدادها و قابلیت‌ها است، نمایان ساختن یک استعداد همان رشد دادن و تکامل دادن آن است. این آزمایش برای پرده برداشتن از رازهای موجود نیست، بلکه برای فعلیت دادن به استعدادهای نهفته است. در این جا پرده برداشتن، به ایجاد کردن است. آزمایش الهی، صفات انسانی را از نگاه قوه و استعداد به صفحه‌ی فعلیت و کمال بیرون می‌آورد.

«عدل الهی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ دهم، شهریور ۵۷، صفحه ۲۱۲»

ابراهیم در حال امتحان در پیشگاه الهی است. این امتحان آموزش زیبایی برای دیگر انسان‌هاست که بدانند، اگر به خدا اتکا و توکل داشته باشند، خداوند آن‌ها را نجات می‌دهد و آتش را به گلستان تبدیل می‌کند. داستان حضرت موسی (ع) و خضر نیز نمونه‌ی دیگری از این ویژگی است و در جریان حوادث متفاوتی که پیش می‌آید، از قبیل سوراخ کردن کشتی، کشتن کودک و درست کردن بنای در حال تخریب، آموزه‌های زیبایی نهفته است که حضرت موسی با صبر و تحمل بیشتر در جریان این امتحان، می‌توانست مطالب بیشتری از حکمت‌های الهی را بیاموزد.

حماسه‌ی امام حسین (ع) در روز عاشورا، نمونه‌ی دیگری از توأم بودن تدریس و امتحان الهی است. به عبارت دیگر در روز عاشورا، امام حسین (ع) در صحنه‌ی عمل و در پیشگاه الهی امتحانی دارد که نه تنها استعدادهای ذاتی اش را به فعلیت در آورد، بلکه مدرس تمامی آموزگاران در طول تاریخ شد. نگاه دقیق به این واقعه، آموزه‌های زیبایی دربر دارد. از جمله این که از کمی عده و عده در مواجهه با دشمن نهراسیم و چه بسا که سپاهی اندک، بر سپاهی بسیار با توکل بر خدا غلبه کند؛ اگرچه به ظاهر نیز شکست خورده باشند (کم من فته قليلة غلبت فته كثيرة باذن الله). چکیده‌ی مطالب را شاعری خوش ذوق در شأن امام حسین (ع) چنین سروده است.

نازم آن آموزگاری را که در یک نصفه روز  
دانش آموزان عالم را چنین دانا کند  
ابتدا قانون آزادی نویسد در جهان  
بعد از آن با خون ۷۲ تن امضا کند

درسی به بشر داد به فرمان الهی  
درشش عملی بود نه کتبی نه شفاهی  
جمله‌ی زیبایی هم در همین رابطه وجود دارد که می‌گوید:

پیامدهای آموزشی این ویژگی عبارت‌اند از:

- افراد در برابر هم احساس مسئولیت می‌کنند.
- افراد موفقیت خود را در توفیق دیگران می‌بینند.
- روحیه‌ی تعاون و همکاری تقویت و فردگرایی به جمع‌گرایی تبدیل می‌شود.
- موجب ایجاد صفات حسنه از قبیل مهر، محبت، صفا، صمیمیت، دوستی و... می‌شود.

#### ۶. توأم بودن امتحان و تدریس

امتحان الهی و تدریس او درهم آمیخته است. به بیان دیگر، امتحان خودمکمل یادگیری و یا تدریسی جدید است، زیرا امتحان هم برای آموزش انجام می‌شود. زمانی که امتحان و تدریس توأم باشد (ارزشیابی مستمر و تکوینی)، دیگر نمی‌تواند صرفاً مداد و کاغذی در کار باشد و به صورت کتبی برگزار شود. تمامی صحنه‌های آموزش به صحنه‌ی امتحان تبدیل می‌شوند. در نتیجه، فراگیر در تمامی لحظات حضوری فراگیر دارد و منفعلانه با تدریس برخورد نمی‌کند. نگاهی چنین به امتحان موجب می‌شود، صرفاً آموخته‌ها را مورد پرسش قرار ندهیم. بلکه امتحان خود آموزشی است که فراگیر را در حین آموزش رشد و قابلیت‌های او را پرورش می‌دهد. چنان‌چه در احوال بزرگان دین که خود معلمین بشریت هستند، توجه کنیم، در می‌یابیم که امامان با سیره‌ی عملی خود به مردم درس می‌داده‌اند و این تدریس خود امتحانی در پیشگاه خدا، فرشتگان، نفس و مردم بوده است.

نکته‌ی مهم و جالب در امتحانات الهی این است که خداوند به عنوان بزرگ مربی عالم هستی، با امتحان‌بندگان خاص خود، دیگر بندگان را در طول تاریخ آموزش می‌دهد. برای مثال، در داستان حضرت ابراهیم (ع)، به آتش افکندن او، نمونه‌ی بارز این مدعاست، چرا که وقتی او را به آتش می‌اندازد، در واقع حضرت

جریان عمل حقانیت گفته‌های خود را به اثبات برساند تا به این وسیله، نیکان از بدان جدا شوند. «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا و هم لا یفتنون و لقد فتنا الذین من قبلهم فلیعلمن اللّٰه الذین صدقوا و لیعلمن الکاذبین» [عنکبوت/ ۲ و ۳]: آیا مردم گمان می‌برند، همین که به زبان بگویند ایمان آورده‌ایم، رهایشان می‌کنند و آن‌ها را نمی‌آزمایند؟ و ما اممی را که پیش از اینان بودند به امتحان و آزمایش آوردیم تا خدا دروغ‌گویان را از راست‌گویان کاملاً معلوم کند.

ابتلائات و نعماتی که خداوند در برابر انسان قرار می‌دهد، موجب شکر یا ناسپاسی، و صبر یا بی‌قراری انسان می‌شود. همگی این رفتارها جنبه‌ی عملی دارند و ابتلا و آزمایش جز با عمل معنا نمی‌یابد. در صحنه‌ی عمل است که صفات باطنی انسان ظاهر می‌شود. هرگاه بخواهیم انسان را در مسیر تربیت سیر دهیم، باید به وسیله‌ی مجموعه‌ای از اعمال دریابیم که او تا چه اندازه آمادگی و صلاحیت آن مقصد را دارد.

پیام‌های آموزشی این ویژگی عبارت‌اند از:

- برای پی بردن به دانسته‌های افراد بهتر است که آن‌ها را در صحنه‌ی عمل مورد ارزیابی قرار داد؛ چرا که دانش همیشه به عملکرد منجر نمی‌شود.
- عملی بودن امتحان موجب می‌شود، ارزیابی بهتر در سه حیطه‌ی شناختی، عاطفی و مهارتی حاصل آید.
- ارزیابی کارها دقیق‌تر انجام می‌گیرد و نظر ممتحن کم‌تر دخالت می‌کند.
- امتحان عملی استعدادهای بالقوه افراد را به فعلیت درمی‌آورد و به ظهور می‌رساند.

#### ۸. توجه به تمام ابعاد آدمی در امتحانات

امتحان الهی همه‌ی ابعاد وجودی آدمی را فرا می‌گیرد. در این امتحان، هرچه به نوعی با انسان ارتباط دارد، وسیله‌ی امتحان است. خداوند امتحان و ابتلا را به تمام اموری که به نحوی با انسان مرتبط است، عمومیت داده است. این امتحان اصل وجود، اجزای وجود و خارج از وجود او را شامل می‌شود.

درباره‌ی اصل وجود و یا اصل حیات آدمی، خداوند می‌فرماید: «انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج نبتلیه» [دهر/ ۲]: ما انسان را از نطفه‌ی آمیخته آفریدیم تا او را بیازماییم. و در ادامه‌ی آیه، پیرامون اجزای وجود می‌فرماید: «فجعلناه سمیعا

ارزشیابی کنید، وقتی تدریس می‌کنید. تدریس کنید، وقتی ارزشیابی می‌کنید.» پیام‌های آموزشی این ویژگی عبارت‌اند از: ● توأم بودن تدریس و ارزشیابی موجب می‌شود که در تمامی لحظات فراگیر متوجه کارهای خود باشد و بهترین کارها را ارائه دهد.

● با این ویژگی، هر لحظه امکان جبران کمبودها و نواقص کار وجود دارد.

#### ۷. امتحان عملی

امتحان الهی عملی است. اعمال انسان از بدو تولد تا مرگ، همگی به نوعی امتحان الهی هستند و همه‌ی آن‌ها به حساب می‌آیند و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند؛ چنان‌که می‌فرماید: «ولکل درجات مما عملوا و ما یریک بغافل عما یعملون» [انعام/ ۱۳۲]: پروردگارت برای هر یک، از آنچه انجام داده‌اند مراقبی خواهد بود و از هیچ عمل انسان غافل نیست و از هر لحظه‌ی آن آگاه است و همه را به حساب می‌آورد. و نیز می‌فرماید: «فمن یعمل

ابتلائات و نعماتی که خداوند در برابر انسان قرار می‌دهد، موجب شکر یا ناسپاسی، و صبر یا بی‌قراری انسان می‌شود. همگی این رفتارها جنبه‌ی عملی دارند و ابتلا و آزمایش جز با عمل معنا نمی‌یابد. در صحنه‌ی عمل است که صفات باطنی انسان ظاهر می‌شود

مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شریره» [زلزال/ ۷ و ۸]: پس هر که به اندازه‌ی ذره‌ای نیکی کند، آن را ببیند و هر که به اندازه‌ی ذره‌ای بدی کند، آن را ببیند. و از آن جایی که معلوم نیست عمر انسان چه زمانی پایان می‌پذیرد، باید به گونه‌ای عمل کند که هر لحظه آماده‌ی رفتن باشد و برای کسب این آمادگی، باید به اصلاح مستمر اعمالش بپردازد. این را نیز باید بداند که در امتحان الهی، صرفاً به گفته‌ها و ادعاهای توجه نمی‌شود، بلکه هرکس باید در

بصیرا: وی را شنوا و بینا گردانیدیم. در مورد خارج از وجودش نیز آیات بسیاری وجود دارد که هم با عطا کردن نعمتی از سوی خداوند و هم با گرفتن آن همراه است. یعنی در بعضی موارد، خداوند نعماتی در اختیار آدمی می‌گذارد و در بعضی موارد آن‌ها را از او می‌گیرد و او را به سختی می‌اندازد؛ مواردی از قبیل: اولاد، ازدواج، عشیره و مال و هر آن‌چه که به نوعی مورد استفاده و محل ارتباط آن با انسان است. یعنی هر جزئی از اجزای عالم و هر حالتی از حالات آن که به انسان مرتبط می‌شود و عواملی که خداوند انسان را با آن امتحان می‌کند. خداوند هر آن‌چه را که در زمین است، وسیله‌ی ابتلا و امتحان معرفی کرده است: «انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ايهم احسن عملا» [کهف/ ۷]. و هرگونه رابطه‌ی انسانی و هر داشتن و نداشتنی مایه‌ی ابتلا و امتحان است. به عبارت دیگر، تمامی این جهان صحنه‌ی آزمایش است. «و لنبلونکم بشيء من الخوف والجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين» [بقره/ ۱۵۵]: و هر آینه شما را به چیزی از قبیل بیم و گرسنگی، و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و شکیبایان را مرزده ده.

هدف آن است که انسان در هر حال در مقام شاکران باشد و همه چیز را از خدا ببیند و امکانات و استعدادهای خود را جهت اتصاف به صفات الهی به کار بندد. و البته ابتلا و امتحان به وسیله‌ی رفاه و آسایش و عافیت سخت‌تر است، زیرا در این حال غفلت و لغزش آدمی بیشتر است. کسانی می‌توانند مقام شاکر بودن خود را حفظ کنند و به کفران کشیده نشوند که به توفیق الهی امتحان‌ها را بشناسند و بخوبی دریابند و سخت استقامت و پایداری ورزند. حضرت سلیمان(ع)، با تمام قدرت و مکنات که داشت، نمونه‌ی آشکاری از بندگان خوب خدا در این عرصه است که شاکر بودن خود را فراموش نکرد و گرفتار دنیا نگردید.

امتحان مطلوب همه‌ی ابعاد وجود آدمی را رشد و استعدادهای او را به طور جامع پرورش می‌دهد. لذا نظام آموزشی مناسب همه‌ی ابعاد وجود آدمی را متناسب رشد می‌دهد و به استعدادها، علاقه‌مندی‌ها و توانایی‌های او به طور همه‌جانبه توجه می‌کند. پیامد چنین تربیتی، پرورش افرادی است که می‌توانند با استفاده از آموخته‌هایشان مشکلات موجود یا به وجود آمده را حل و پیام آموزشی این ویژگی عبارت است از: استفاده از انواع امتحانات باید به گونه‌ای باشد که هر کدام، جنبه‌ای از ابعاد وجودی

دانش آموز را پرورش دهد (از قبیل فکر و اندیشه، دل، خلاقیت، جسم و...).

## ۹. بازخورد و آگاهی فرد

امتحان الهی برای دادن آگاهی و بازخورد به فرد است.

امتحان مطلوب همه‌ی ابعاد وجود آدمی را رشد و استعدادهای او را به طور جامع پرورش می‌دهد. لذا نظام آموزشی متناسب همه‌ی ابعاد وجود آدمی را متناسب رشد می‌دهد و به استعدادها، علاقه‌مندی‌ها و توانایی‌های او به طور همه‌جانبه توجه می‌کند.

(هرکس خود داند که کیست). ما بندگان به باطن حال اشیا جاهلیم. اما خداوند عالم است و مفاتیح غیب در دست اوست. این کار برایش کشف مجهول نیست، بلکه تربیت عامه‌ی الهیه است و خداوند با چنین تربیتی حال هر انسانی را برای او معین می‌کند تا خود بفهمد اهل ثواب است یا عقاب (خود ارزش یابی). در سوره‌ی مبارکه‌ی اسرا می‌فرماید: «اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا» [اسرا/ ۱۴]: کتاب اعمالت را بخوان و بنگر در دنیا چه کرده‌ای که تو خود برای رسیدگی به حساب خویش کافی هستی. امتحان برای دادن آگاهی و بازخورد به فرد است تا جایگاه و رتبه‌ی خود را بداند و خودش بخواهد که رشد کند یا نکند، و بتواند در پایان تلاش و کار، خود را ارزیابی کند. به عبارت دیگر در امتحان الهی، هم آگاهی و هم خودارزش‌یابی وجود دارد و اجازه داده می‌شود که افراد به فکر فرو روند و خودشان خود را محک بزنند و ارزیابی کنند.

خداوند در مسیر هدایت و تربیت آدمی، با ارائه‌ی ملاک و معیار و هم چنین دادن آزادی و اختیار و نیز توان استفاده از قوه‌ی تفکر و تعقل، حقایق را به انسان‌ها می‌نماید تا خود راه نجات و

**انسان بدون ارزیابی پیوسته‌ی خود  
(ارزش‌یابی مستمر) و بررسی دائم عملکرد  
خویش، نمی‌تواند به تصحیح کلی و جزئی  
خود بپردازد. از این رو «محاسبه‌ی نفس»  
(خودارزش‌یابی) مهم‌ترین اقدام به منظور  
اصلاح مسیر و تقویت خویش در جهت  
اهداف تربیت است.**

تلاش را به گونه‌ای فراهم سازد که فراگیر بتواند، در مقام یک ارزیاب، عمل خود را بسنجد و درباره‌ی آن قضاوت کند. پیام‌های آموزشی این ویژگی عبارت‌اند از:

- به فراگیران برای تشخیص خوبی یا بدی عمل، معیار و ملاک بدهیم.
- اجازه دهیم تا فراگیران با توجه به ملاک و معیار، رفتار و عملکرد خود را بسنجد و ارزیابی کنند.
- خودارزش‌یابی فراگیران مانع از ارزش‌یابی معلم در پایان دوره نمی‌شود. لذا معلمین می‌توانند، رفتار و عملکرد فراگیران را ارزیابی کنند.
- ارزیابی نهایی می‌تواند تلفیقی از ارزش‌یابی فراگیر و معلمین باشد.

**۱۰. توبه و بازگشت**

در امتحان الهی، اجازه‌ی بازگشت و تلاش به افراد خاطی و خطا کار داده شده است و توبه‌ی آن‌ها پذیرفته می‌شود. درهای رحمت الهی باز است و خداوند فرصت جبران می‌دهد. این نهایت محبت و کمال مهربانی پروردگار است، آن‌جا که می‌فرماید: «لا تقنطوا من رحمه الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً انه هو الغفور الرحیم». [زمر/۵۳]: از رحمت خدا ناامید نباشید. البته خدا همه‌ی گناهان را خواهد بخشید که او خدایی بسیار آمرزنده و مهربان است. و نیز می‌فرماید: «الم یعلموا ان الله هو یقبل التوبه عن عباده و یاخذ الصدقات و ان الله هو الثواب الرحیم» [توبه/۱۰۴]: آیا مؤمنان هنوز ندانسته‌اند که محققاً خدا توبه‌ی بندگانش را می‌پذیرد و خدا صدقه‌ی آن‌ها را قبول می‌فرماید؟ و البته خدا توبه‌ی پذیر و مهربان است. هم چنین می‌فرماید: «و هو الذی یقبل التوبه عن عباده و یعفو عن السیئات» [سوری/۲۵]: و اوست خدایی که توبه‌ی بندگانش را می‌پذیرد و گناهانشان را می‌بخشد.

در جریان امتحان الهی، بسیاری از انسان‌ها شکست می‌خورند، لیکن راه بازگشت و جبران برای افراد خطا کار باز است. اما چنان‌چه کار خود را جبران نکنند، به عذاب عقوبت می‌شوند: «ان الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنات ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم» [بروج/۱۰]: کسانی که مردان و زنان مؤمن را آزار کرده و بعد توبه نکرده‌اند، عذاب جهنم برای آن‌هاست. توجه به این گونه آیات نشان می‌دهد که راه برای بازگشت آدمی همواره باز

رستگاری و یا ضلالت و گم‌راهی را برگزینند. داستان حضرت ابراهیم (ع) در محاجه با بت پرستان، حاوی نکات ارزنده‌ای است که موضوع خودارزش‌یابی را به خوبی به نمایش می‌گذارد. زمانی که حضرت بت‌ها را شکست و تبر را به عمد بر گردن بت بزرگ نهاد، در پاسخ به سؤال بت پرستان که پرسیدند: چه کسی این بت‌ها را شکسته است، برای آگاه کردن و این که عملشان اشتباه بوده است، نگفت که من نشکسته‌ام، بلکه از ایشان خواست که بروند و از بت بزرگ بپرسند؛ اگر سخن می‌گویند. «قال بل فعله کبیرهم هذا فستلوهم ان کانوا ینطقون» [انبیا/۶۳]. «با این کار، آن‌ها به نفس‌های خود ارجاع داده شدند و خودشان اذعان کردند که به خود ظلم کرده‌اند. «فرجعوا الی انفسهم فقالوا انکم انتم الظالمون» [انبیا/۶۴]. در واقع با این سؤال، حضرت ابراهیم (ع) اجازه داد تا بت پرستان خودشان اعمال خود را محک بزنند و آگاه شوند که بت‌ها نمی‌توانند خدا باشند.

همین نکته در حدیث گهربار پیامبر اسلام چنین آمده است: «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا، وزنوا قبل ان توزنوا، و تجهزوا للعرض الاکبر»: به حساب خود برسید، پیش از آن که به حساب شما برسند، و خود را بسنجید، پیش از آن که شما را بسنجد، و خود را برای قیامت کبری آماده سازید [بحار الانوار، ج ۷۰: ۷۳]. انسان بدون ارزیابی پیوسته‌ی خود (ارزش‌یابی مستمر) و بررسی دائم عملکرد خویش، نمی‌تواند به تصحیح کلی و جزئی خود بپردازد. از این رو «محاسبه‌ی نفس» (خودارزش‌یابی) مهم‌ترین اقدام به منظور اصلاح مسیر و تقویت خویش در جهت اهداف تربیت است. بنابراین لازم است، معلم زمینه‌ی رشد و

است و خداوند اجازه ی جبران مافات را می دهد و انسان در هر لحظه، این توانایی و اختیار را دارد که از راه خطا برگردد و توبه کند. پیام های آموزشی این ویژگی عبارت اند از:

- به فراگیران آگاهی دهیم که اشتباه آن ها در هر لحظه قابل جبران است.
- با بیانات و رفتار و محبت آمیز خود، مشوق دانش آموز در جبران خطاهای گذشته اش باشیم.
- همواره دانش آموزان را به یادگیری و تلاش امیدوار کنیم و عوامل یأس و ناامیدی را از آن ها دور سازیم.
- چنان چه دانش آموز سهل انگاری خود را کنار گذاشت و به فعالیت پرداخت، گذشته ی او را تا حد امکان نادیده بگیریم.
- در امتحان، اجازه ی جبران گذشته و مافات به فراگیر داده شود.

#### ۱۱. همگانی بودن و استثنا نداشتن

امتحان الهی هم برای مؤمن است و هم برای کافر، استثنایی ندارد. در روز قیامت، هر شخصی جزای اعمال نیک و بدی که پیش از این کرده است خواهد دید؛ چنان که می فرماید: «هنالک تلبوا کل نفس ما اسلفت» [یونس / ۳۰]. و نیز می فرماید: هر نفسی در گرو کارهایی است که کسب کرده و انجام داده است: «کل نفس بما کسبت رهینة» [مدثر / ۳۸]. در این آیات کلمه ی «کل» نشان دهنده ی آن است که ابتلا و امتحان الهی شامل همه ی انسان ها می شود که البته از مؤمنین امتحانی نیکو به عمل می آید: «ولیلای المومنین منه بلاء، حسناً» [انفال / ۱۷]. و امتحان به معنای عذاب است برای کفار و کسانی که کار نکرده و تبلی کرده اند و بی خبرند.

هم چنین، آیات دیگری نیز وجود دارند که همگی بر همگانی بودن امتحان الهی دلالت دارند؛ از جمله:

- «وکل انسان الزمناه طائره فی عنقه» [اسرا / ۱۳].
- «اولا یرون انهم یفتنون فی کل عام مرة او مرتین» [توبه / ۱۲۶].
- «لیجزی الله کل نفس ما کسبت ان الله سریع الحساب» [ابراهیم / ۵۱].

پیام های آموزشی این ویژگی عبارت اند از:

- امتحان باید شامل همه ی افراد شود و کسی استثنا نشود.
- پاداش هر کسی به میزان تلاش و کوششی باشد که کسب کرده است.
- پاداش فرد ساعی شامل حال خودش بشود.

#### ۱۲. عدم حضور فیزیکی خداوند

خداوند به عنوان ممتحن، حضور فیزیکی ندارد، ولیکن انسان ها همیشه وجود او را در کنار خود به عنوان هدایت کننده حس می کنند. این حس به آن ها آرامش و امیدواری می دهد، آنان را به انجام کار نیز وامی دارد، و از ریا و تقلب باز می دارد. یعنی امتحان باید به گونه ای باشد که حضور فیزیکی معلم لزومی نداشته باشد، ولیکن دانش آموزان از هدایت ها و کمک او برخوردار باشند؛ چنان که می فرماید: «الم یعلم بان الله یری» [علق / ۱۴]: آیا انسان نمی داند که خدا او را می بیند.

#### اسبب شناسی نظام ارزش یابی کنونی

در مقدمه ی بحث گفته شد که خداوند به عنوان بزرگ مربی عالم هستی، به اسرار وجودی انسان، بهتر از هر کسی واقف است و برای هدایت و تربیت انسان، او را به ابتلا و امتحان می افکند. ما انسان ها هم، به عنوان مربی و معلم، از تربیتی خود امتحان به عمل می آوریم و می کوشیم تا او را در مسیر هدایت و رشد، تربیت کنیم. اما در بسیاری از موارد نتیجه ی عکس حاصل شده است و امتحانات هم چون غولی، مانع تحقق اهداف عالی تربیتی شده اند که این نکته در سخنرانی های متفاوت مسئولین، مقالات، و تحقیقات پژوهشی مورد تأکید قرار گرفته است. منطق برنامه ریزی درسی و تجارب ارزنده ی ایران و جهان نشان داده است که یکی از عوامل بازدارنده ی اساسی که مانع انجام تغییر معنی دار در نظام آموزشی می شود، محدودیت های حاصل از ادامه ی سنت های قدیمی و غیرعلمی امتحان و سنجش است. به بیان دیگر، غول نظام امتحان و ارزش یابی های سنتی، هم چنان بر نظام آموزشی سایه افکنده است و با اغلب نوآوری های برنامه ریزی درسی به مقابله می پردازد.

تأکید بیش از حد و تقریباً انحصاری نظام امتحانات، بر آموختن حجم عظیم دانش محض که در همه ی مقاطع تحصیلی، در آزمون های کتبی، مسابقه های ورودی و حتی ثبت نام در مدارس و یا ورود به آموزش عالی، به دانش آموزان تحمیل می شود عاملی انحرافی و آزار دهنده است. از پیامدهای بسیار ناگوار این پدیده، از یک سو دلهره، اضطراب و نگرانی دائم دانش آموزان و اولیای آنان، و از سوی دیگر، فراهم نشدن وقت و فرصت مناسب برای پرداختن به سایر هدف های مهم تربیتی و آموزشی در صحنه های تدریس و یادگیری مدرسه ای است؛ هدف هایی که در ارتباط با



کمک به فراگیر، راه موفقیت را به او نشان دهد تا او با اراده و خواست خویش، در مسیر موفقیت و یا عدم موفقیت قدم بردارد. و نیز موفقیت یا عدم موفقیت در امتحان، باید متکی به تلاش و توان فرد باشد و به عواملی از قبیل شانس و دشواری امتحان نسبت داده نشود. یعنی فراگیر خود را مسئول کارهای خویش بنماید و عدم موفقیت خود را به عوامل محیطی و بیرونی نسبت ندهد.

● با توجه به ویژگی تفاوت‌های فردی، امتحان باید متناسب با حال فراگیران باشد و هر فردی با خودش مورد مقایسه قرار گیرد. چرا که هر فردی، انسان خاصی است و استعدادها و توانایی‌های او با دیگران متفاوت است و نمی‌توان همه را به یک شکل مورد ارزیابی قرار داد. لذا نباید یک نوع امتحان برای همه‌ی افراد با توانایی‌های متفاوت در نظر گرفته شود.

● با توجه به ویژگی مثبت‌نگری، در امتحانات بیشتر به نقاط قوت دانش‌آموزان توجه شود، نه ضعف‌ها و کمبودها. به عبارت دیگر، نیمه‌ی پر لیوان دیده شود، نه نیمه‌ی خالی آن. هم‌چنین، با ارائه‌ی پاداش مناسب، انگیزه‌ی لازم در افراد برای تلاش و کوشش ایجاد شود. به علاوه، نقاط ضعف دانش‌آموزان به اندازه‌ی خود مورد توجه و نکوهش قرار گیرد.

● گروهی بودن امتحان، در بعضی مواقع خوب است. اگر امتحان گاهی گروهی باشد، حس مسئولیت را در افراد تقویت می‌کند. چرا که در امتحان گروهی، روحیه‌ی تعاون و همکاری تقویت و فردگرایی به جمع‌گرایی تبدیل می‌شود. و نیز موجب می‌شود تا افراد موفقیت خود را در توفیق دیگران ببینند و صفات حسنه، از قبیل مهر، محبت، صفا، صمیمیت، دوستی و... بیشتر شود.

● توأم بودن تدریس و ارزش‌یابی موجب می‌شود که در تمامی لحظات، فراگیر متوجه کارهای خود باشد. بهترین کارها را ارائه دهد و بداند که هر لحظه‌ی او مورد توجه و ارزیابی است.

● امتحان عملی باشد. چرا که امتحان عملی، استعدادهای بالقوه‌ی افراد را به فعلیت در می‌آورد و به ظهور می‌رساند. برای پی بردن به دانسته‌های افراد بهتر است که آن‌ها را در صحنه‌ی عمل مورد ارزیابی قرار دارد، چون دانش همیشه به عملکرد نمی‌انجامد. عملی بودن امتحان موجب می‌شود، ارزیابی بهتری در سه حیطه‌ی شناختی، عاطفی و رفتاری حاصل شود. هم‌چنین، ارزیابی کارها دقیق‌تر انجام گیرد. زیرا هر عملی مبتنی بر دانش و نگرش فرد است. لذا از طریق عمل می‌توان دریافت که فرد چگونه می‌اندیشد، به چه چیزهایی اعتقاد دارد و پای بند چه مسائلی است.

● از انواع امتحانات به گونه‌ای استفاده شود که هر کدام جنبه‌ای از ابعاد وجودی انسان را (از قبیل فکر و اندیشه، دل، خلاقیت، جسم و...) پرورش دهد. زیرا انسان موجودی است چند بعدی و توجه به این نکته موجب می‌شود، استعدادهای متفاوت او در زمینه‌های گوناگون امکان ظهور یابند و به فعلیت درآیند.

● برای آگاهی فرد از اعمال و کردار خود و تشخیص خوبی یا بدی عمل، به او معیار و ملاک بدهیم و اجازه دهیم، با توجه به ملاک و معیار، رفتار و عملکرد خود را بسنجد و ارزیابی کند. چرا که هرکسی خود داند که کیست و نفس خود را بهتر از هر کسی می‌تواند مورد خطاب قرار دهد. این خود ارزش‌یابی فرد، مانع از ارزش‌یابی معلم در پایان دوره نمی‌شود. معلمین هم می‌توانند رفتار و عملکرد فراگیران را ارزیابی کنند و ارزیابی نهایی، تلفیقی از ارزش‌یابی فراگیر و معلمین باشد.

● در امتحان الهی، اجازه‌ی توبه و بازگشت در هر لحظه به انسان داده شده است. پس در امتحان این آگاهی باید به فراگیر داده شود که اشتباهش در هر لحظه قابل جبران است. با بیانات و رفتار محبت‌آمیز خود، مشوق دانش‌آموز در جبران خطاهای گذشته‌اش باشیم، همواره او را به یادگیری و تلاش امیدوار کنیم، و نیز عوامل یأس و ناامیدی را از او دور سازیم. در نهایت، چنان‌چه دانش‌آموز، سهل‌انگاری خود را کنار بگذارد و به فعالیت مثبت بپردازد، گذشته‌ی او را تا حد امکان نادیده بگیریم و از خطاهایش درگذریم. یعنی در امتحان اجازه‌ی جبران گذشته و مافات، به فراگیر داده شود.

● امتحان الهی استثنا ندارد. لذا امتحان باید شامل همه‌ی افراد بشود و کسی مستثنی نشود. پاداش هر کسی در امتحان، به میزان تلاش و کوششی باشد که از خود نشان می‌دهد و جزای آن، چه خوب و چه بد، شامل حال خودش بشود.

با توجه به عدم حضور فیزیکی خداوند، امتحانات باید به گونه‌ای باشد که به حضور فیزیکی معلم و مربی نیاز نداشته باشد و به گونه‌ای باشد که معلم و مربی را در کنار خود حس کند. این احساس موجبات آرامش او را فراهم می‌آورد، نه تشویش و دل‌نگرانی را. البته این عدم حضور نباید موجبات تقلب و سوء استفاده‌ی فرد را فراهم کند.

زیرنویس

1. Assess while you teach, Teach while you assess.